



افزودن علم انسانی غربی را به ایران آوردند خیلی فرهنگ اصیل و ریشه دار نداشتند

استاد فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه با یک دستور و فرمان نمی شود علوم انسانی را در جامعه نهادینه کرد گفت: زمان است تا علوم انسانی...

استاد فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه با یک دستور و فرمان نمی شود علوم انسانی را در جامعه نهادینه کرد گفت: زمان است تا علوم انسانی در فرهنگ ما جا بیفتد ولی اولین اقدامی که باید بشود این است که باید از اضافه گویی ها و از نتیجه گرفتن های ضعیف و افکار سطحی اجتناب کرد. دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران در مورد اینکه فهم اهمیت و ضرورت تحول در علوم انسانی چگونه در فرهنگ عمومی نهادینه می شود و پیش نیازهای فرهنگی رشد و توسعه علوم انسانی در کشور چیستند به خبرنگار مهر گفت: راجع به اهمیت علوم انسانی در غرب باید گفت که برای نمونه در فرانسه در کنار رشته خودتان باید دروس جامعه شناسی و روانشناسی را هم بخوانید و در علوم انسانی باید مدرک این دو رشته را هم بگیرید. ولی مسائل علوم انسانی در ایران بدرستی طرح نشده است. در علوم اجتماعی، در روانشناسی و در روانشناسی کودک و مکتب پیاز و روانشناسی تکوینی متخصصانی داشته و داریم. ولی در خود جامعه ما آن طور که باید و شاید به لحاظ فرهنگی جایگاه علوم انسانی از ابتدا مشخص نشده است.

وی افزود: عده ای در مورد علوم انسانی خیلی افراط گویی کرده اند و این افراط گویی ها با انکار اهمیت فرهنگ ملی و سنتی و فلسفه ما چه در خارج و چه در داخل همراه بوده است. یعنی طوری علوم انسانی را معرفی کردند که گویی این علوم ضد فلسفه هستند و اگر فلسفه پیشرفتی حاصل کند و اگر تفکر جنبه اصولی پیدا کند علوم انسانی رشد نمی کنند. این کاملاً یک سوء تفاهم است زیرا علوم انسانی کاملاً فرزند فلسفه است. توجه به فلسفه نه فقط در جهت مخالف رشد علوم انسانی نیست بلکه در جهت اصلاح آنها و تنظیم آنها و کاربرد درست آنها است. در این میان عده ای از جامعه شناسان و روانشناسان ما برای حفظ منافع شخصی خودشان درباره این موضوع افراط گویی کرده اند؛ جایگاه علوم انسانی را بیشتر از اینکه باید باشد نشان داده اند.

مجتهدی افزود: علوم انسانی چاره ای ندارد مگر اینکه با درک عمومی فرهنگ ایرانی هماهنگ شود. وگرنه روانشناسی مبتذل فریبی یا در جامعه شناسی صرفاً رجوع به آمار که درباره اش دقت نشده که اغلب انحرافی و کاذب هستند حقایق را نمی توان روشن کرد. علوم انسانی در ایران عمق واقعی پیدا نکرده اند. در آلمان، فرانسه، انگلستان و آمریکا و غیره علوم انسانی رشته های عمیقی محسوب می شوند. در ایران این رشته یک مقدار سطحی مورد نظر قرار گرفته است و سطحی مورد استفاده قرار می گیرند. گاهی هم جنبه سیاسی به خود می گیرند برای مثال کسی که جامعه شناس است خیال می کند با داده های جامعه شناسی حتماً باید یک موضع شدید سیاسی داشته باشد. خود اینها هم به علوم انسانی صدمه زده اند. یعنی آن حالت سالم و بی طرف علم را از این علوم سلب کرده اند.

این استاد فلسفه غرب تاکید کرد: برای اینکه این علوم (نمی گویم خوب بلکه می گویم درست) درست رشد کنند باید در درجه اول جایگاهشان در فرهنگ عمومی ما ایرانیان مشخص بشوند و تعاریف درستی از آنها داده شود. علوم انسانی مجموعه ای از نظرها و نحله ها است فقط به یک روش یا یک نحله نباید اکتفا کرد. در غرب وقتی نظریه فلان نظریه پرداز می گوید که نظریه کسانی که مانند او فکر نمی کنند هم گفته می شود. در نتیجه یک فرهنگ عمیق درستی ایجاد می شود. در صورتی که اینجا هر کسی که یک مقدار جامعه شناسی یا روانشناسی خوانده اصرار می کند که آخرین حرف را او بزند. این افراد مبتدی هستند و باید در این خصوص آسیب شناسی بشود.

مجتهدی تصریح کرد: نیاز به آسیب شناسی همه جانبه داریم چه در محتوای علوم انسانی و چه در نحوه ورود این علوم به ایران که دومی اهمیت بیشتری دارد. باید ببینیم که از آن ابتدا این علوم چرا و به چه منظوری و با چه اهدافی و چه علتی و با چه برداشت هایی وارد ایران شدند. باید توجه داشت که اول علوم تربیتی مطرح شد که تربیت سنتی ما را کنار می گذارد که خود این هم اشتباه بود. باید بتوانند با تربیت رسوم سنتی ما هماهنگی پیدا کنند، باهم یک نوع گفت و شنودی داشته باشند. نمی شود گفت آنها همه غلط هستند و گفته های جدید همه درست هستند. این کار اصلاً صحیح نیست. در سنت ما امکاناتی است که در علوم جدید انسانی به خوبی می شود از آنها استفاده کرد. مگر قبل از اینکه جامعه شناسی یا روانشناسی یا علم تاریخ در غرب به معنای جدیدش مطرح شد ما علم روانشناسی یا تاریخ نداشتیم! در میان ده مورخ بزرگ کل جهان دو مورخ ایرانی را هم می توان نام برد. یا از قدیم الایام علم النفس داشتیم؛ علم النفس ابن سینا و دیگر فلاسفه اسلامی.

این استاد دانشگاه تهران یادآور شد: آنچه که در ایران یک مقدار شتابزده و بی توجه به گذشته و بی توجه به سنت ما بوده این

است که افرادی که علوم انسانی را به سبک غربی به ایران آوردند خودشان فرهنگ خیلی اصیلی و ریشه داری نداشتند. خیلی سریع فکر کردند از این شعارهای علوم انسانی می توانند بهره بگیرند و علم خودشان را تام و تمام دانستند. همین ها آسیب شناسی می خواهد. بدون این آسیب شناسی ها بدون پیدا کردن جایگاه اصلی علوم انسانی در فرهنگ ایرانی در شرایط امروز جامعه ما این علوم یک مقدار بی اعتبار و بی ریشه خواهند بود.

مجتهدی تصریح کرد: این مسئله هم آنآ با یک دستور و فرمان درست نمی شود باید مسائل را به مرور طرح کرد جوانب مختلفش را نشان داد و بقیه کار را بر عهده زمان گذاشت. زمان لازم دارد که علوم انسانی در فرهنگ ما جا بیفتد ولی اولین اقدامی که باید بشود این است که از اضافه گویی ها و از نتیجه گرفتن های ضعیف و افکار سطحی باید اجتناب کرد.